

Examining the Role of Non-State Actors in Achieving Health and Environmental Justice

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Akram Gharei¹
Alireza Jahangiri^{2*}
Ali Pourghasab Amiri³
Hassan Soleimani⁴

How to cite this article

Akram Gharei, Alireza Jahangiri, Ali Pourghasab Amiri, Hassan Soleimani, Examining the Role of Non-State Actors in Achieving Health and Environmental Justice. *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2022;6(1):599-607.

1. PhD student, Department of Public International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant professor, Department of Public International Law, Damghan branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

4. Assistant professor, Department of Public International Law, Damghan branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: jalireza@gmail.com

Article History

Received: 2022/01/22

Accepted: 2022/05/24

ABSTRACT

Many threats against human societies originate from environmental issues. Today, the issue of environment has become a global crisis and if there is no scientific and serious solution to solve this problem. It will confront humanity with a huge disaster; Therefore, non-governmental environmental organizations are one of the centers that can direct and guide people's participation in environmental protection, by concentrating individual and collective efforts, they can increase efficiency. Environmental non-governmental organizations have grown slightly in recent decades; Therefore, the main research question of non-governmental organizations is how and can they try to create and support a healthy living environment? The hypothesis of the article is as follows: Non-governmental organizations can help maintain environmental security and protect environmental health by creating civil society and sustainable development. In order to carry out this research, a qualitative library type method has been used. In this way, the necessary data was first extracted from written and electronic sources and then explained. The findings of this research show that environmental threats have brought great risks and human rights have been attacked against the natural and human environment.

Keywords: Health, Non-Governmental Organizations, Environmental Protection

مقدمه

امروزه حفاظت از محیط زیست به یک دغدغه اصلی در جامعه بین‌المللی مبدل شده است یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست، حضور سازمان‌های غیردولتی و نقش‌آفرینی آن‌ها در شکل‌گیری، اجرا و نظارت بر مقررات زیست‌محیطی در نظام بین‌الملل است. شناسایی شخصیت حقوقی این بازیگران در عرصه بین‌المللی در کنار دیگر تابعان حقوق بین‌الملل به‌عنوان نقطه عطفی جهت رسیدن به اوج حفاظت از محیط زیست سالم یعنی عدالت زیست محیطی می‌باشد (۱). دسترسی به عدالت ابزاری مهم برای تحکیم پایه‌های عدالت زیست محیطی و جهت‌وآدار کردن مقامات به ایفای نقش موثر است. امروزه حفاظت از محیط زیست، در پرتو همکاری‌های جهانی به مثابه توسعه در حالی از جمله مصادیق همگرایی بین‌المللی به شمار می‌آید که پایداری جهانی به طور چشمگیری تحت تأثیر رشد اقتصادی و تحولات اجتماعی قرار دارد که این مهم هم‌گام با توسعه در پرتو تعاملات، توافقات و همکاری‌های بین‌المللی بروز و ظهور پیدا می‌کند. تحقق این موضوع، در گرو ایجاد چارچوب‌های دقیق و سازگار و تمرکز بر نوآوری‌های پایدار انجام می‌پذیرد و رشد سبز با محوریت حفاظت از محیط زیست، رونقی دوجندان می‌یابد؛ در این پژوهش، برآنیم تا مسیر توسعه‌گرایی و همگرایی در نیل بسوی حفاظت از محیط زیست را تحلیل نماییم (۲)؛ سبک زندگی محیط زیستی به رفتارهای مسئولانه در قبال محیط زیست، کنش‌های فردی در جهت حفاظت از طبیعت، حفظ منابع طبیعی تعهد به کنش‌های جمعی در مقابل مسائل محیط زیستی و جستجوی راه حل برای مسائل دلالت دارد (۳). با نگاهی به نحوه شکل‌گیری و توسعه حقوق بین‌الملل محیط-زیست در چهار دهه اخیر، روشن می‌شود که این رشته به‌عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی، توانسته است در بردارنده اصول و قواعد مهمی برای مدیریت، حفاظت و حمایت از محیط-زیست کره زمین باشد. ایجاد قواعد الزام آور^۱ از قبیل انعقاد بیش از هزار معاهده دو و چند جانبه، تدوین عرف بین‌الملل، رویه‌های قضایی بین‌المللی و... همچنین توسعه قواعد غیرالزام آور^۲ از قبیل بیانیه-ها، قطعنامه‌ها، توصیه‌ها و... حکایت از ظهور و تعالی این رشته حقوقی به‌عنوان یکی از رشته‌های حقوقی معتبر دارد (۴).

حقوق بین‌الملل محیط زیست با رهیافتی میان رشته‌ای و یا چند رشته‌ای توانسته است تا حد زیادی رابطه از هم گسیخته علم و حقوق را به هم نزدیک کند و متخصصان محیط زیست را در کنار حقوقدانان بنشانند؛ بیگمان، محیط زیست با جستارهای توسعه و امنیت واحدهای سیاسی نسبت مستقیم دارد به گونه‌ای که هر گونه اختلال در کارکرد عناصر سازنده زیست بوم‌ها و زیست کره،

اکرم قرائی^۱

دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

علیرضا جهانگیری^{۲*}

استادیار، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول).

علی پورقصاب امیری^۳

استادیار، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

حسن سلیمانی^۴

استادیار، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

بسیاری از تهدیدات مطرح علیه جوامع بشری از مسائل زیست محیطی سرچشمه می‌گیرند. مسئله محیط زیست امروزه به بحرانی جهانی و فراگیری تبدیل شده و چنانچه به صورت علمی و جدی برای رفع این معضل چاره‌اندیشی نشود. بشر را با فاجعه عظیمی مواجه خواهد ساخت؛ بنابراین سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی از مراکزی هستند که می‌تواند مشارکت‌های مردمی را در حفاظت از محیط زیست جهت‌دهی و هدایت کرده، با متمرکز نمودن تلاش‌های فردی و جمعی، بازدهی‌ها را افزایش دهند. سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در دهه‌های اخیر رشد کمی چشمگیری داشته‌اند؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهشی سازمان‌های غیردولتی چگونه و می‌توانند در ایجاد، حمایت از محسوط زیست سالم تلاش کنند؟ فرضیه مقاله اینگونه می‌باشد: سازمان‌های غیردولتی می‌توانند با ایجاد جامعه مدنی و توسعه پایدار به حفظ امنیت محیط زیست و حمایت از سلامت محیط زیست کمک کنند. برای انجام پژوهش حاضر از روش کیفی از نوع کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا داده‌های لازم از منابع نوشتاری و الکترونیکی استخراج و سپس مورد تبیین قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تهدیدات محیط زیستی، مخاطرات وسیعی را به همراه داشته و حقوق بشر، در تقابل محیط زیست طبیعی و انسانی، مورد حمله واقع شده است.

کلیدواژگان: سلامت، سازمان‌های غیردولتی، حفاظت محیط زیست

^۱Soft law

^۱Hard law

زیست و مدنیت بشر را تهدید میکند (۵) و چنین ناامنی‌هایی مطالعه تهدیدات زیست محیطی را کانون توجه مراکز پژوهشی و راهبردی قرار داده که ادبیات و دانش گسترده‌ای نیز در این وجود آمده است. این مراکز در قالب دانشواژه‌هایی چون سیاست زیست محیطی، اکوپلیتیک، ژئوپلیتیک زیست محیطی، تهدیدات غیر سنتی، امنیت غیر سنتی و... به تبیین و تشریح وضعیت موجود و آینده پرداخته اند (۶)؛ با این حال، میزان اثرپذیری افراد و واحدهای سیاسی از مخاطرات محیطی (انسانی و طبیعی) همسان نیست حتی گاهی منافع برخی از آنها در تشدید بحران‌های زیست محیطی همچون گرمایش جهانی، تغییر اقلیم جهانی است اما عموم پیش‌بینی‌ها گویای آن هستند که پیامد بحران‌های زیست محیطی، جهانی است و دیر یا زود زیست و بقا کشورها و انسانها را در اشکال تغییرات آب و هوایی، جنگل زدایی، امنیت غذایی، آلودگی هوا و اقیانوسها بر خاسته از مسائل ایمنی هسته‌ای، کاهش ازن، فرسایش خاک، کمبود آبهای زیر زمینی؛ بالا آمدن سطح دریاها، خشکیدن تالابها و رودها، تندبادها و سیلابها و... قرار خواهد گرفت و ابعاد مختلف امنیتی را بوجود خواهد آورد (۲). هراس از چنین پیامدهایی تاکنون بارها زمینه تشکیل نشست‌ها و همایش‌های مختلف منطقه و بین‌المللی بوده است. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی؛ پروتکل کیوتو؛ و بسیاری دیگر از این قوانین بین‌المللی برخاسته از دل این نشست‌های بین‌المللی میباشد. نوشتار حاضر به دنبال تبیین نقش بازیگران غیردولتی جهت ایجاد الزامات کشورها به تعهدات حقوق بین‌الملل محیط زیست است. به طور کلی عدالت زیست محیطی مقوله‌ی جدیدی در حقوق بین‌الملل است. جنبش حقوق مدنی در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا منشا جنبش عدالت زیست محیطی شناخته شد. انتظار می‌رود که محیط زیست سالم بعنوان حق اولیه‌ی کلیه‌ی انسان‌ها باشد. عدالت زیست محیطی مرز مشترک حقوق بشر و حق بین‌الملل محیط زیست میباشد (۷)؛ تعاریف از عدالت زیست محیطی متفاوت است اما آنچه مسلم است اینکه جوامع باید به اطلاعات و ابزار مناسب برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که بر کیفیت محیط زیست محلی ایشان تاثیر می‌گذارد دسترسی داشته باشند و بازیگران غیردولتی میتوانند نسبت به توسعه این اطلاعات و تنظیم مقررات الزام آور در عرصه‌ی بین‌المللی کمک‌شایانی نمایند. مسئولیت بین‌المللی به مثابه یک نهاد حقوقی بین‌المللی عبارت است از الزام به جبران خسارت مادی یا معنوی وارد بر تابعان حقوق بین‌الملل که این خسارت باید ناشی از عمل یا خودداری از عمل غیر مشروع و مخالف حقوق بین‌الملل یکی از موضوعات یا تابعان حقوق بین‌الملل باشد. برای تحقیق مسئولیت بین‌المللی یک دولت، تخلف بین‌المللی باید قابلیت انتساب به آن دولت را نیز داشته باشد (۵). مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل نظریه‌ای می‌باشد که طبق آن صرف ورود خسارت از سوی یک کشور به کشور دیگر، برای ایجاد مسئولیت کافی است؛ هر چند رفتار یا عملی که صورت گرفته از دید حقوق بین‌الملل مجاز بوده است. در چنین مواردی ظاهراً هیچگونه تعدی و تجاوزی به قواعد حقوقی صورت نگرفته است و از این لحاظ نمیتوان دولت مزبور را به خاطر اعمالش که خلاف موازین بین‌المللی نیست، مسئول دانست؛ در ابتدا قرار بود این نوع مسئولیت به حوزه‌ی خاص

از حقوق بین‌الملل محدود نشود؛ اما پرفسور باکستر، مخبر ویژه کمیسیون در گزارش مقدماتی خود خاطر نشان کرد جلوه‌گاه اصلی مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده همواره مخاطرات زیست محیطی است؛ اگرچه اولین تلاش‌های حقوقی در سطح بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست به اوایل قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم و طرح مباحث مربوط به حمایت از حقوق بشر، قواعد مربوط به منافع مشترک بشریت، باز میگردد، ولی حقوق بین‌الملل محیط زیست هم چون حقوق محیط زیست رشته‌ای بسیار جوان است و رشد واقعی آن از دهه ۱۹۶۰ آغاز گردیده است و از این زمان به بعد تحول حقوق محیط زیست در حقوق داخلی و بین‌المللی به موازات یکدیگر صورت گرفته است؛ در سال ۱۹۸۶ با دخالت سازمان‌های بین‌المللی، فصل جدیدی در رابطه با حفاظت از محیط زیست آغاز گردید (۸)؛ حال سوال اصلی اینجاست که بازیگران بین‌المللی غیردولتی چگونه می‌توانند با نقشی که در محیط بین‌الملل ایفا می‌کنند عدالت زیست محیطی را نیز افزایش دهند که در این مقاله به آن پاسخ خواهیم داد؛ لذا این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سوال است که؛ واکاوی توسعه‌گرایی و همگرایی بین‌المللی چگونه به حفاظت از محیط زیست جهانی نظم و نسق می‌دهد؛ در این راستا، پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که با هدف حفاظت محیط زیست و تبیین نقش دولتها در برابر چالشها، با تکیه بر همگرایی بین‌المللی و یکپارچه‌سازی قوانین، بعنوان یک موضوع مهم بین‌المللی، چالشها و خلاهای اجرایی و حقوقی همگرایی بین‌المللی، مدنظر قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

برای انجام پژوهش حاضر از روش کیفی از نوع کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا داده‌های لازم از منابع نوشتاری و الکترونیکی استخراج و سپس مورد تبیین قرار گرفته است.

یافته‌ها

۱- نقش بازیگران غیردولتی در عرصه ملی و بین‌المللی تعهد دولتها در قبال کل جامعه بین‌المللی با منفعت هر دولت در رعایت حقوق ناشی از آن تعهدات مرتبط است تا آنجا که همه دولتها در حمایت از آن حقوق دارای منفعت حقوقی هستند که این تعهدات در قبال تمامی دولتها قابل استناد است. امروزه مسایل زیست محیطی از مسایل پر اهمیت و دغدغه‌کنونی جامعه جهانی می‌باشد. چرا که بروز خسارات زیست محیطی می‌تواند موجب نقض حقوق بنیادین جوامع کنونی و نسلهای آتی گردد. لذا این مسیله باعث می‌شود به حقوق بین‌الملل محیط زیست و مسئولیت دولتها و حدود آن در رعایت این حقوق، توجه دوچندانی شود. تا حدی که دولتها را در رعایت آن به اندازه مسایل حقوق بشری مکلف سازد. تخریب و آلودگی زیست محیطی، در بسیاری از اشکال آن غیر قابل تحمل، غیر قابل جبران و غیر قابل بازسازی می‌باشد؛ انواع آلودگی‌های آب، خاک، هوا، صوتی، شیمیایی، هسته‌ای، دریایی، غیره، آثار زیانباری را برای انسان و محیط زیست دارد، به طوری که طی سالیهای اخیر به صورت بحرانی بزرگ درآمده و زنگ خطر را برای بشر به صدا درآورده است. هدف پژوهش نشان دادن اهمیت

المللی تشکیل دهند و این فدراسیون ها مقام مشورتی به دست می آورند. در سال ۱۹۶۸، با اضافه شدن یک بند به اساسنامه شورای اقتصادی و اجتماعی، این اصل گسترش یافت. سازمانهای غیردولتی مرتبط با حقوق بشر، نباید فعالیت های خود را به گروه، ملیت یا کشور خاص محدود کنند؛ در مورد گروه های ضد آپارتاید استثنا قائل شدند.

۶- سازمان غیر دولتی بین المللی، سازمانی است که با توافق بین دولت ها به وجود نیامده باشد. این اصل یک عبارت حقوقی فنی درباره غیردولتی بودن است. به طور صریح، اعلام شده که این اصل مانع عضویت دولت ها در سازمان های غیردولتی بین المللی نیست؛ در مقایسه با سازمان های بین دولتی، احتمال موفقیت سازمان های غیردولتی در مداخلاتی که بدون رضایت دولت میزبان انجام می شود، بیشتر بود؛ زیرا آن ها در تعیین استراتژی های ورود به کشور مورد نظر انعطاف پذیری و خلاقیت بیشتری داشتند. آنها، برای مثال، نسبت به محدودیت های سیاسی اهمیت کمتری می دادند و اگر در داخل کشوری مناقشه های رخ میداد، نگرانی نسبت به اینکه اقدامات آنها جانبدارانه جلوه خواهد کرد، کارشان را محدود نمی کرد؛ آنها نسبت به از دست دادن تأمین سرمایه دولت ترسی نداشتند، زیرا عمدتاً کمک های داوطلبانه خصوصی، هزینه های آنها را تأمین می کرد و آمادگی بیشتری در پذیرش به خطر افتادن امنیت پرسنل خود داشتند؛ بنابراین بازیگران غیردولتی در سیاست جهانی مشغول فعالیت و ایفای نقش می باشند، یا مروج ارزش های جهان اند یا به دنبال سود و منفعت تفرقه انگیز و یا در جستجوی رستگاری و نجات. آنها شامل شرکت های فراملیتی و نهادهای مالی، سازمان های جامعه مدنی، جنبش های مبتنی بر ایمان و مقاطع همکاران نظامی خصوصی که از برخی جهات به مزدوران قدیمی شباهت دارند، می باشند. آنها همچنین شامل موجودیت های غیرقانونی مانند تروریست های فراملی و شبکه های تبهکارانه می شوند که به رغم تفاوت های شکلی و ماهیتشان، عموماً در سطح جهانی فکر کرده و عمل می نمایند (۱۱).

۱-۲. سازمان های غیر دولتی - سمن

دیوان بین المللی دادگستری و سایر مراجع قضایی و داوران بین المللی، نقش مهمی به ویژه از طریق صدور آراء و رویه های قضایی بین المللی در توسعه حقوق بین الملل عمومی از جمله حقوق بین الملل محیط زیست دارند، چراکه این آراء و رویه ها و نیز برخی از قضایای دیوان بین المللی دادگستری، در بردارنده اصول و قواعد حقوقی جدیدی هستند که می تواند به توسعه حقوق بین الملل محیط زیست، کمک شایانی نماید. با این حال، در کنار این ظرفیت های حقوقی، محدودیت ها و موانعی در این مسیر وجود دارد که سبب شده توسعه، تغییر و تحولات مثبت آن، به کندی صورت پذیرد. آراء و نظریات مشورتی صادره از محاکم بین المللی نشان می دهد که حاکمیت دولت ها همواره مانعی بر سر راه توسعه حقوق بین الملل محیط زیست بوده است؛ اما زمانی که این مراجع، در تصمیمات خود از رهیافت سنتی مبنی بر ارجحیت حاکمیت دولت ها خارج شدند، این چالش تبدیل به فرصتی برای حقوق بین الملل محیط زیست شده است. در واقع حرکت از حاکمیت مطلقه به سوی حاکمیتی مبتنی بر استفاده منطقی و معقولانه از سرزمین،

خسارت محیط زیستی، جلوگیری، کاستن و برطرف کردن آلودگی زیست محیطی و بررسی مسیولیت بین المللی دولتها در رابطه با آلودگی های وسیع عمدی و تخریب محیط زیست در زمان صلح می باشد. دولت ها، سازمان های بین دولتی و گروه های مبارز، موضوع های قدیمی و همیشگی حقوق بین الملل هستند، اما بازیگران بیشتری وجود دارند که بدون آنکه به طور رسمی، موضوع حقوق بین الملل قرار گیرند، نقش مهمی در اداره روابط بین الملل و از این رهگذر در شکل دادن به حقوق بین الملل ایفا می کنند. اغلب این بازیگران جدید، سازمان های غیر دولتی یا مردم نهاد (سمن) هستند که اهمیت آنها در حقوق سازمان های بین المللی به تدریج مورد شناسایی واقع شده است. امروزه، سمن ها نفوذ بیشتری پیدا کرده اند و دولت ها برای اتخاذ خط مشی ها و ایجاد قوانین جدید، بر تجربیات آنها تکیه می کنند (۵ و ۹).

۱-۱- بازیگران غیردولتی یا فراملی

به نظر می رسد جامع ترین تعریف توسط جسلین و والاس در خصوص معنی بازیگران غیردولتی ارائه شده که آن را شامل همه سازمان هایی می داند که: اولاً: کاملاً مستقل از تأمین مالی و کنترل حکومت مرکزی، برآمده و برخاسته از جامعه مدنی دوما یا از اقتصاد بازار و یا تمایلات سیاسی فراسوی کنترل و نظارت دولت می باشند؛ سوماً در شبکه هایی عمل و مشارکت می کنند که فراسوی دولت ها گسترده شده اند؛ بنابراین:

در روابط اتصال سیستم های سیاسی، اقتصادها و جوامع درگیرند چهارم: در مسیری عمل می کنند که به طور آگاهانه یا نیمه آگاهانه و به عنوان هدف اولیه یا یکی از اهدافشان، بر اهداف سیاسی و در یک دولت یا بیشتر یا درون نهادهای بین المللی، نتایج و پیامدهای تأثیرگذار دارند (۱۰).

اساسنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (اکوسوک)، در قبال سازمان های غیردولتی که مطابق ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد مقام مشاور شورای مذکور را دارند. شش اصل را به ترتیب ذیل تعیین کرده است:

۱- سازمان های غیردولتی باید پشتیبان اهداف و فعالیت های ملل متحد باشند.

سازمان غیردولتی باید نهاد انتخابی باشد، مرکز مشخصی داشته و مقامات آن در برابر یک مجمع ۲۰ دموکراتیک و سیاستگذار مسئول و پاسخگو باشند.

۳- سازمان های غیردولتی نمی توانند انتفاعی باشند. شرکت ها این امکان را ندارند که به طور رسمی وضعیت مشورتی کسب کنند، ولی این اصل آنها را از مجموعه سازمان ملل متحد برکنار نمی دارد.

۴- فدراسیون های تجاری بین المللی، در شناخته شدن به عنوان سازمان غیردولتی با مشکلی مواجه نبوده اند.

سازمان غیردولتی نمی تواند خشونت بوزد و یا از آن حمایت کند. ۵- سازمان غیردولتی باید به اصل «عدم مداخله در امور داخلی کشورها» احترام بگذارد.

منظور این است که سازمان های غیردولتی نمی توانند حزب سیاسی باشند، ولی احزاب همانند شرکت ها می توانند فدراسیون های بین

فرصتی برای به رسمیت شناختن حقوق بین الملل محیط زیست محسوب می گردد. از سوی دیگر، مساله حفاظت از محیط زیست اولین بار در قضایایی هم چون قضیه تریل اسملتر مطرح گشت و به تدریج در آراء و رویه های قضایی توسعه و تثبیت یافت؛ سمن یا سازمان های مردم نهاد، گروه های غیر انتفاعی هستند که به صورت مستقل از دولت، به فعالیت های داوطلبانه می پردازند. این سازمان ها برای اهداف مختلفی تشکیل می شوند که اهداف انسان دوستانه و اهداف زیست محیطی دو نمونه از اهدافی هستند که سازمان های مردم نهاد بسیاری آن را دنبال می کنند. سازمان های صنفی، سازمان های امدادگر، سازمان دفاع از حقوق انسانها، از انواع سازمان های مردم نهاد می باشند. مهم ترین واژه ای که در تعریف یک سمن وجود دارد، واژه «غیردولتی» است. این واژه به این معناست که دستگاه های حکومتی در تأسیس و اداره یک سمن دخالت نداشته باشند. در حقیقت این را می توان مهم ترین ویژگی یک سمن دانست (۶). به نظر می رسد که سمن ها بیشتر تمایل دارند به سمت رویکرد حمایتی پیشروند؛ پزشکان بدون مرز که اوایل به عنوان یک آژانس خیریه تأسیس شد، چند سال پیش، پس از بررسی بسیار، تصمیم گرفت که تحت شرایط خاص، خود را در فعالیتهای حمایتی وارد سازد. حتی درمشهورترین سازمان کمک کننده، یعنی صلیب سرخ هم مباحثات بسیاری در مورد ورود به عرصه فعالیتهای حمایتی وجود دارد (۱۲).

برداشت ما از سمن ها اغلب این است که با توجه به وجود و حضور اعضا و شاخه هایی از آن ها در بیش از یک کشور یا اهدافی که در چارچوب یک کشور محدود نیست، آنها ماهیتی بین المللی دارند و این همان رویکردی است که اساس کنوانسیون اروپایی شناسایی شخصیت حقوقی سازمانهای غیر دولتی بین المللی و قطعنامه ۱۲۹۶ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، مصوب ۲۳ می ۱۹۶۷ در مورد روابط مشورتی میان سازمان ملل و سمن ها را تشکیل می دهد. با این حال، قطعنامه جدید ۳ می ۱۹۹۶ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، مصوب ۲۵ جولای ۱۹۹۶ که جایگزین قطعنامه ۱۲۹۶ گردیده است به طور مشخص تصریح میکند که سازمانهای ملی نیز میتوانند طرف مشورت با سازمان ملل قرار گیرند (۹).

اکنون بیش از ۱۶۰۰ سمن در شورای اقتصادی- اجتماعی سازمان ملل دارای مقام مشورتی هستند و تعداد آنها نیز از نظر اهمیت اهداف، قلمرو فعالیت و اعضا و بودجه در حال افزایش است که به یقین، جهانی شدن و اینترنت از مهمترین فاکتورهای کمک کننده به این رشد بوده است. سمن هایی که رویکرد جمع آوری کمک دارند، از این طرز فکر که کمک های مزبور را میتوان به طور سودمندتری از طریق آژانس های خصوصی توزیع کرد، بهره فراوان برده اند که در نتیجه، بسیاری از دولت ها، کمک های خود را به سوی سمن ها روانه کرده اند. امروزه میزان جمع آوری اعانه سمن ها روی هم رفته، بیش از میزان جمع آوری اعانه توسط سازمان ملل است؛ هر چند در مورد مسئولیت ها و حقوق بین المللی سمن ها سوال های زیادی وجود دارد و نظرهای متفاوتی ارائه شده، ولی باید گفت، سمن ها نقش بسیار مهمی در صحنه بین الملل ایفا می کنند که تا حدی در موضوع رسمی شان منعکس شده است (۷).

۳-۱- مشکلات و تنگناهای بازیگران غیردولتی

مخاصمات مسلحانه به هر عنوان و در هر کجای این کره خاکی که روی دهد، پیامدهای گونا گونی در پی دارد که یکی از عمده ترین آن ها، تخریب و ایراد صدمه به محیط زیست است که در راستای صیانت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی، قواعدی برای حمایت از محیط زیست در حوزه های مختلف حقوق بین الملل تدوین شده و اصول و قواعد مسوولیت بین المللی دولتها ناشی از تخریب محیط زیست در مخاصمات و الزام آنها به جبران خسارات وارده تبیین شده است. این حوزه ها در حال حاضر به طور کلی تابع قواعد کلی مسوولیت بین المللی در حقوق بین الملل عمومی هستند که با توجه به پیشرفت چشمگیر حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بین الملل کیفری در دهه های اخیر تدوین قواعد مسوولیت بین المللی خاص در جهت حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی لازم و ضروری است؛ چنانچه پیشتر اشاره شد دولت ها تنها نمایندگان بین المللی می باشند با اینکه امروزه بازیگران غیر دولتی از طریق نفوذ و رفتار عمومی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در زمره گروه های بانفوذ شمرده می شوند دولت ها خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه یافته در رابطه با گزارش های نقض حقوق بشر یا تخریب محیط زیست از انجام هرگونه واکنش مناسب و لازم امتناع می ورزند و آنها را انکار می نمایند وابستگی بسیاری از سازمان های غیردولتی به اشخاص و گروه های کوچک و آسیب پذیری آنها افزوده است نباید اینگونه بازیگران برای ادامه حیات خویش متکی به اشخاص حقیقی یعنی دولت ها نیستند بلکه از مجاری اعضای خود و دیگر تشکل های اجتماعی کمک مالی می شوند این عوامل با توجه به محدودیت هایی که در مورد آزادی تشکل آزادی بیان در بسیاری از رژیم های سیاسی جهان سوم که فاقد جنبه های دموکراتیک هستند باعث میشود که کار بازیگران غیردولتی را مشکل و فلج سازد زیرا بدیهی است که محدودیت های مرتبط با آزادی های اساسی که تبادل اطلاعات را در داخل خارج جهت کشور به حالت تعلیق در می آورد فعالیت های بازیگران غیردولتی را گسترده تر می کند این مشکلات با توجه به تنگنایی که سازمانهای خصوصی به جهات مالی و ساختاری دارند رسالت واقعی آنها را در بوته ای از ابهام قرار خواهد داد (۱۳).

۴-۱-واکای عدالت زیست محیطی و اسناد بین المللی

۴-۱- مفهوم عدالت

یکی از ویژگی های بارز انسان ها حس عدالت خواهی و عدالت طلبی آنها می باشد به طوری که اگر تاریخ را مورد بررسی قرار دهید خواهید یافت که اغلب انقلاب ها و تحولات تاریخی با انگیزه ایجاد عدالت شکل گرفتند. عدالت همواره در همه جوامع دارای تقدس بوده و آرمانی است که همه جوامع در جهت تحقق آن به تکاپو مشغولند. عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و عدالت اجتماعی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند؛ برخی عدالت را به دو قسم صوری و ماهوی تقسیم بندی می کنند؛ عدالت صوری عبارتست از قاعده ای که به همه موقعیت ها و اشخاصی که موضوع آن قرار می گیرند یکسان حکومت کرده و تبعیض روا ندارد، عادلانه است؛ اما عدالت

برای نخستین بار در کنوانسیون بین المللی آرهوس حق دسترسی به عدالت زیست محیطی و شناخت اهمیت نقش بازیگران غیردولتی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست مفهوم یافت که بر اساس آن، دولت‌ها مکلف شدند تا حق دسترسی به عدالت زیست محیطی را برای افراد و دیگر بازیگران غیردولتی تضمین کنند. عدالت زیست محیطی مرز مشترک حقوق بشر و حق بین الملل محیط زیست میباشد. تعاریف از عدالت زیست محیطی متفاوت است اما آنچه مسلم است اینکه جوامع باید به اطلاعات و ابزار مناسب برای مشارکت در تصمیم گیری هایی که بر کیفیت محیط زیست محلی ایشان تاثیر میگذارد دسترسی داشته باشند و بازیگران غیردولتی میتوانند نسبت به توسعه این اطلاعات و تنظیم مقررات الزام آور در عرصه ی بین المللی کمک شایانی نمایند؛ لذا نیاز است با بررسی کنوانسیون آرهوس عدالت زیست محیطی را بیشتر مورد ارزیابی قرار دهیم.

کنوانسیون بین المللی آرهوس یک توافق نامه ی زیست محیطی چندجانبه است که از طریق آن فرصت برای دسترسی شهروندان به اطلاعات محیطی افزایش یافته است.

کنوانسیون آرهوس درخصوص دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم گیریها و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست محیطی توسط ۳۵ کشور کمیسیون اقتصادی اروپایی در کنفرانس وزیران اروپا تحت عنوان «محیط زیست برای اروپا در آرهوس در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸ امضاء گردید. این کنوانسیون در ۳۰ اکتبر ۲۰۰۱ و بدنبال امضای ۱۶ کشور لازم الاجراء گردید. این کنوانسیون هم اکنون ۲۷ عضو دارد که غالباً از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و آسیای مرکزی و منطقه قفقاز هستند. هرچند این کنوانسیون در سطح اروپا و در چارچوب آیین ها و تشریفات سیاسی همکاریهای زیست محیطی در سطح اروپا، که شامل همه جمهوری های شوروی سابق در اروپا و آسیا نظیر ایالات متحده و کانادا می شود، مطرح گردید. لیکن این سند منحصر به منطقه اروپا نبوده و برای الحاق کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد «به شرط تصویب در جلسه اعضا» باز می باشد (۱۶)؛ اما با این وجود هیچ یک از کشورهای اروپایی علاقه خود را به عضویت در کنوانسیون آرهوس نشان ندادند. ایالات متحده آمریکا و کانادانیز که اعضا اصلی کمیسیون اقتصادی برای اروپا می باشند نیز در مذاکرات شرکت ننموده و از هنگام طرح رژیم آرهوس خارج از مجموعه قرار داشتند؛ شناسایی صریح حق بر محیط زیست سالم در کنوانسیون آرهوس، اهمیت مقررات اجرایی را در جهت اعمال حقوق رویه ای، دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم گیری ها و دسترسی به عدالت را به وضوح با پشتوانه قانونی و فلسفی از این حقوق را نشان داد. این کنوانسیون خاطر نشان می کند که این حقوق مرزی ندارند اما بصورت معنا داری این حقوق را بعنوان ابزاری در جهت حمایت از حقوق ماهوی افراد به زندگی در محیط زیست سالم مشخص می نماید. به هر حال این کنوانسیون همانگونه که مقررات ماده ۱ هیچگونه تعهد خاصی را ماورای سایر مقررات کنوانسیون بر اعضا تحمیل نمی نماید، نتایج حقوقی فوری ندارد (۱۷ و ۵).

ماهوی عبارتست از این که به مضمون و محتوای قاعده نیز توجه شود (۱۴).

برتراند راسل، در تعریف عدالت این گونه می گوید: «عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. یا عبارت از نظامی است که آن چه را که به تصدیق عموم، زمینه هایی برای نارضایتی مردم فراهم می کند به حداقل برساند (۱۵).

به نظر هایدک^۱ هم در رفتارها و هم در ذهن انسان سلسله مراتبی از قواعد حاکم است که اساسی ترین آنها در حوزه فرآگاهی؛ یعنی در ورای توانایی ادراک ها قرار دارند. «رشد عقل انسانی جزئی از رشد تمدن است... ذهن هیچ گاه نمی تواند پیشرفت آینده خود را پیش بینی کند (۵)؛ لذا کلمه بنیادین اجتماع، محصول عقل رهبری کننده انسان نیست و به همین دلیل برنامه ریزی اجتماعی ممکن نخواهد بود.

درباره مفهوم عدالت دیدگاه ها مختلف بوده و نظریات متفاوتی مطرح می گردد:

الف. عدالت همانند سایر مفاهیم اخلاقی و متافیزیکی فاقد معنا بوده و مهمل می باشد و تنها بیان گر احساسات انسانی است و گاهی نیز برای برانگیختن احساسات استعمال می شود مانند ناله و فغان انسان مصیبت دیده که فاقد معنا بوده و احساسات انسانی را نمایش می دهد همان طور که زرد شدن چهره انسان ترس او را بیان می کند، با این تفاوت که در مفاهیم اخلاقی، قالب عرضه احساسات را خود انسان تعیین می کند و گاهی اوقات هم برای تحریک دیگران و برانگیختن آنها دست به چنین کاری می زند.

ب. عدالت لفظی است دارای معنا و مفهوم که حکایت از تمایلات و عواطف خاص می کند یعنی تناسبی در بین دسته ای از افعال با خواسته های انسان وجود دارد که موجب می شود آن افعال را عادلانه بنامیم. بر طبق این دیدگاه موضوع عدالت فعل یا اشیاء خارجی نخواهد بود بلکه موضوع آن نفس حالات و کیفیات نفسانی متکلم می باشد.

ج. عدالت یک صفت عینی خارجی است و دارای ما بازای خارجی می باشد، درحالی که ما به ازای عدالت دیدنی و شنیدنی نیست بلکه تعقل کردنی است و بواسطه عقل می توان آن را درک نمود. پس عدالت خصوصیتی را به اشیاء یا افعال نسبت می دهد که هیچ صفت دیگری نمی تواند جانشین آن شود.

د. مفهوم عدالت دارای مصداق خارجی نیست و فقط موصوف خارجی دارد؛ یعنی عقل صرف نظر از رابطه ای که اشیاء یا شخص مدرک و تمایلات او دارد به کندوکاو و مقایسه اشیاء با یکدیگر می پردازد و با توجه به این مقایسه و ارتباطی که آنها با یکدیگر دارند مفهوم عدل را بدست می آورد.

هـ. عدالت یک امر قراردادی محض است که نه مصداق عینی دارد و نه تمایل تکوینی انسان به آن تعلق می گیرد، مثل مالکیت بلکه امری است قراردادی؛ بر طبق این دیدگاه مفهوم عدالت مبتنی بر آراء عقلاء می باشد.

۲-۴. کنوانسیون بین المللی آرهوس

^۱ Friedrich. A. F. Hauek

تنظیم کنند؛ بنابراین امروزه این بازیگران غیر دولتی هستند که موجب تغییر در مفاهیم حکومتداری شده اند؛ از سویی واقع گرایان بعد از جنگ جهانی دوم روندهای امنیت ساز را تحت تاثیر اندیشه های خود قرار داده و بر موضوعات متنوع و فراگیری تاکید داشته که همگی فراتر از رقابت کشورها بود. از این رو و بر اساس خوانش های تاریخی امنیت، موضوعات امنیتی متحول و گزاره های محیط زیستی مثل ویروس کرونا (جنگ بیولوژیک)؛ تغییرات آب و هوا؛ فرسایش زمین؛ و... موجب گردیده تا جامعه بین المللی به جایگاه بازیگران غیردولتی نیز توجه نمایند (۱۸ و ۱۵).

بیگمان، محیط زیست با جستارهای توسعه و امنیت واحدهای سیاسی نسبت مستقیم داشته است به گونه ای که هر گونه اختلال در کارکرد عناصر سازنده زیست بوم ها و زیست کره، زیست و مدنیت بشر را تهدید میکند و چنین ناامنی هایی مطالعه تهدیدات زیست محیطی را کانون توجه مراکز پژوهشی و راهبردی قرار داده که ادبیات و دانش گسترده ای نیز در این بوجود آمده است. این مراکز در قالب دانشواژه هایی چون سیاست زیست محیطی، اکوپولیتیک، ژئوپلیتیک زیست محیطی، تهدیدات غیر سنتی، امنیت غیر سنتی و... به تبیین و تشریح وضعیت موجود و آینده پرداخته اند. با این حال، میزان اثرپذیری افراد و واحدهای سیاسی از مخاطرات محیطی (انسانی و طبیعی) همسان نیست حتی گاهی منافع برخی از آنها در تشدید بحران های زیست محیطی همچون گرمایش جهانی، تغییر اقلیم جهانی است اما عموم پیش بینی ها گویای آن هستند که پیامد بحرانهای زیست محیطی، جهانی است و دیر یا زود زیست و بقاء کشورها و انسانها را در اشکال تغییرات آب و هوایی، جنگل زدایی، امنیت غذایی، آلودگی هوا و اقیانوسها برخاسته از مسائل ایمنی هسته ای، کاهش ازن، فرسایش خاک، کمبود آبهای زیر زمینی؛ بالا آمدن سطح دریاها، خشکیدن تالابها و رودها، تندبادها و سیلابها و... قرار خواهد گرفت و ابعاد مختلف امنیتی را بوجود خواهد آورد. هراس از چنین پیامدهایی تاکنون بارها زمینه تشکیل نشست ها و همایشهای مختلف منطقه و جهانی بوده است. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی؛ پروتکل کیوتو؛ و بسیاری دیگر از این قوانین بین المللی برخاسته از دل این نشست های بین المللی میباشد. نوشتار حاضر به دنبال تبیین نقش بازیگران غیردولتی جهت ایجاد الزامات کشورها به تعهدات حقوق بین الملل محیط زیست است. به طور کلی عدالت زیست محیطی مقوله ی جدیدی در حقوق بین الملل است. جنبش حقوق مدنی در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا منشا جنبش عدالت زیست محیطی شناخته شد. انتظار میرود که محیط زیست سالم بعنوان حق اولیه ی کلیه ی انسان ها باشد. عدالت زیست محیطی مرز مشترک حقوق بشر و حق بین الملل محیط زیست میباشد. تعاریف از عدالت زیست محیطی متفاوت است اما آنچه مسلم است اینکه جوامع باید به اطلاعات و ابزار مناسب برای مشارکت در تصمیم گیری هایی که بر کیفیت محیط زیست محلی ایشان تاثیر میگذارد دسترسی داشته باشند و بازیگران غیردولتی میتوانند نسبت به توسعه این اطلاعات و تنظیم مقررات الزام آور در عرصه ی بین المللی کمک شایانی نمایند (۱۹ و ۲۰).

۶- سبک زندگی زیست محیطی بازیگران غیردولتی

در واقع کنوانسیون آرهوس بدنال جداسازی تعهدات عمومی از تعهدات خاصی که دسترسی به اطلاعات، مشارکت و دسترسی به عدالت را بر طرفین تحمیل نماید، نیست. شایان ذکر است حق بنیادین زندگی در محیط زیست سالم غالب اوقات با شناسایی حقوقی فوراً به جنبه رویه ای آن تقلیل داده می شود. کنوانسیون آرهوس نخستین توافق زیست محیطی چند جانبه است که هدف اصلی آن بار نمودن تعهداتی بر طرفین درمورد شهروندان است. بدین طریق میان این کنوانسیون و حقوق بین الملل بشر همبستگی نزدیکی وجود دارد. همچنین این همبستگی از مقررات کنوانسیون در مورد آیین نظارت بر رعایت مقررات که نخستین بار در حقوق بین الملل محیط زیست امکان تدارک مکانیسم ارائه گزارش نه فقط برای دولتها، بلکه برای افراد رانیز از طریق آیین دعوی فردی فراهم نمود نیز نمایان میگردد. با اعمال یکسری از تضمینات مربوط به حقوق شهروندان در ارتباط با محیط زیست (UN/ECE) و با ماهیت رویه ای، دول اروپایی امضا کننده کنوانسیون بدنال توسعه مسئله ای بودند که در اعلامیه وزراء تحت عنوان «شهروند زیستی مسئول»، بر تعهد به آگاه سازی جدی عمومی که برای دمکراسی سالم ضروری است را مورد شناسایی قرار دادند (۱۵).

۵- تاثیر بازیگران بین المللی غیر دولتی در عدالت زیست محیطی در دوران نظام دو قطبی؛ دولتها، مهمترین بازیگران بین المللی بودند؛ اما از هنگامه ی جهانی شدن، بازیگران جدیدی در جامعه بین الملل ظاهر گردیدند که روند تصمیم گیری در نظام بین الملل را متحول ساختند. در گذشته، دول خود تصمیم میگرفتند که روابطشان را با کدام دولت گسترش دهند یا به چه نوع سرمایه گذاری اجازه فعالیت بدهند، یا...؛ اما امروزه این بازیگران غیر دولتی مانند شرکتهای چند ملیتی هستند که تصمیم میگیرند در چه کشوری حضور و تمرکز یابند و از دگر سو دولتها هستند که برای جذب سرمایه گذاران به رقابت با یکدیگر می پردازند. پیشتر از این، این دولت ها بودند که نظر میدادند که چه فرد یا سازمانی در چه زمینه ای فعالیت کند، اما امروزه بازیگران غیردولتی هستند که بر بسیاری از فعالیتهای دولتی نظارت میکنند و هر جا انحرافی مشاهده کنند با استفاده از ابزار اطلاع رسانی مدرن، افکار عمومی را تحت تاثیر قرار میدهند. در قرن بیستم، مذاکرات فیما بین دولتها یا مستقیم و دو جانبه و یا در سازمان ملل متحد بین نمایندگان دولتها و به صورت چند جانبه صورت میگرفت، اما امروزه در «داووس»، نمایندگان دولتها، بخشی از شرکت کنندگان هستند؛ و سایر شرکت کنندگان شامل مدیران شرکتهای ورزشکاران، هنرمندان، اساتید دانشگاه و حتی نظامیان هستند که گرد هم آمده و نظرات و اندیشه های خود را بیان مینمایند و در تصمیم سازی ها مشارکت دارند که الزاما ممکن است توافق همه دولتها را در بر نداشته باشد. روند جهانی شدن، هم ارزشهای ناظر بر تصمیم گیری جهانی، هم ساختار و ساز و کار تصمیمگیری و هم تصمیم گیرندگان را تغییر داده؛ البته دولتها همچنان یکی از بازیگران موثر هستند، ولی در کنار آنها، افراد، نهادها و سازمانهایی ظاهر شده اند که نظام بین الملل را تحت تاثیر قرار داده و به تبع آن میتوانند سرنوشت ملتها را نیز متناسب با افکار و منافع خود شکل دهند. این وظیفه دولتهاست که در جهت منافع ملی شان مناسبات خود را با دیگر بازیگران جهانی شدن،

- research. *Journal of Leisure Research*, 45(1), 7–22.
6. Gazley, B., Cheng, Y. D., & Lafontant, C. (2019). Charitable support for U.S. National and State Parks through the lens of coproduction and government failure theories. *Nonprofit Policy Forum*, 9(4), 1–16. <https://doi.org/10.1515/npf-2018-0022>.
7. Gibson, S., Loukaitou-Sideris, A., & Mukhija, V. (2019). Ensuring park equity: A California case study. *Journal of Urban Design*, 24(3), 385–405. <https://doi.org/10.1080/13574809.2018.1497927>.
8. Garcia, R., & Strongin, S. (2010). Healthy parks, schools and communities: Green access and equity for the San Diego region. Los Angeles, CA: The City Project.
9. Hamilton, T., & Curran, W. (2013). From “Five Angry Women” to “Kick-ass Community”: Gentrification and environmental activism in Brooklyn and beyond. *Urban Studies*, 50(8), 1557–1574. <https://doi.org/10.1177/0042098012465128>.
10. Harnik, P., & Martin, A. (2015). Public spaces/private money: The triumphs and pitfalls of urban park conservancies.
11. Hess, D. J., & Satcher, L. A. (2019). Conditions for successful environmental justice mobilizations: An analysis of 50 cases. *Environmental Politics*, 28(4), 663–684. <https://doi.org/10.1080/09644016.2019.1565679>.
12. Raisi, L. (2010). Investigating the international responsibility development arising from environmental damage according to Bazel convection. *Human & Environment*, 8(13), 55-62.
13. Faghieh Habibi, A. (2022). International responsibility of governments for environmental violations. *Contemporary Political Studies*, 12(4), 189-221
14. Brikell; Berndt; (1992), The Norms of the Basel convention Environment Justice and legal process”.

طبیعت سالم و ناسالم بر جنبه های گوناگون زندگی بشر، رویکردهای متفاوت انسان مدرن در رویارویی با طبیعت و به چالش کشیدن رویکرد انسان گرایانه، دلیل روی آوردن به آن منجر به تبعات ناشی از آن می شود. حفاظت از محیط زیست و حمایت و اصلاح و مواظبت از آن و مسئولیت در قبال آن از موضوعاتی است که رابطه نزدیک و تنگاتنگی با جامعه و سبک زندگی دارد (۲).

نتیجه گیری

با توجه به اینکه نقش بازیگران غیردولتی برای نخستین بار در کنوانسیون بین المللی آرهوس در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست مفهوم یافت و همین امر موجب گسترش اهمیت آن شده است. در حال حاضر تأثیر این بازیگران بر تصمیمات دولت ها، توسعه خط مشی های داخلی، حفاظت از منابع طبیعی و مذاکرات و معاهدات بین المللی در این حوزه به خوبی نشان دهنده درک این اشخاص حقوقی از مشکلات زیست محیطی است. تعداد بسیاری از محققان تأثیر بازیگران غیردولتی در تهیه پیش نویس قوانین زیست محیطی را در مرکز توجه خود قرار داده اند (۲۱ و ۲۲)؛ بازیگران غیردولتی در توسعه مقررات حقوق محیط زیست از طریق افزایش آگاهی عمومی در مسائل محیط زیستی، تأثیر بر فرایند مذاکرات بین المللی، بیان طرح های پیشنهادی برای شکل گیری هنجارهای جدید، اعمال نفوذ بر تصمیمات دولت ها و نظارت بر انطباق اقدامات دولت ها و سازمان های بین المللی با تعهدات بین المللی به ویژه در زمینه اجرای مقررات ایفای نقش می کنند و ازسویی نقش بازیگران غیردولتی در مشروعیت بخشیدن به فرایند ساخت تصمیمات به عوامل متعددی از جمله استقلال، نقش بی طرفانه و منصفانه و به کارگیری تخصص این بازیگران در تصمیم گیری ها درسطوح مختلف برای افزایش عدالت زیست محیطی بستگی دارد.

References

1. Amir Arjamand, A. (1992). Environmental Protection and International Solidarity, *Journal of Law Research*, 1(120): 85-98.
2. Amini, L. (2000). international responsibility of governments due to environmental pollution, Shahid Beheshti University, Faculty of Law.3
3. Garcia, R., Strongin, S., Brakke, A., & Recinos, A. (2011). Healthy parks, schools and communities: Green access and equity for Orange County. Los Angeles, CA: The City Project.
4. Ziyai Begdali, M.R. (2014). General International Law, Tehran, Ganj Danesh Publications.
5. Garcia, R. (2013). Social justice and leisure: The usefulness and uselessness of

citizenship in the Netherlands. *Journal for Nature Conservation*, 43, 19–26.
<https://doi.org/10.1016/j.jnc.2018.01.006>.

22. Mattijssen, T., Buijs, A., Elands, B., & Arts, B. (2018). The 'green' and 'self' in green self-governance – a study of 264 green space initiatives by citizens. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 20(1), 96–113.

<https://doi.org/10.1080/1523908X.2017.1322945>.

15. Huss, S. M., Stretesky, P. B., & Lynch, M. J. (2012). Characteristics of the formalized environmental justice movement: Implications for environmental governance. In D.R. Gallagher (Ed.). *Environmental Leadership: A Reference Handbook* (pp. 795–807). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

16. Jennings, V., Browning, M. H. E. M., & Rigolon, A. (2019). Urban green spaces – Public health and sustainability in the United States.

<
<https://doi.org/10.1007/978-3-030-10469-6>>

17. Los Angeles County Regional Park and Open Space District. (2018). Proceedings of the Measure A implementation steering committee. Retrieved from < In: [https://rposd.lacounty.gov/wp-content/uploads/2018/08/01_Proceedings-of-the-Measure AImplementation-Steering-Committee_2018.06.28.pdf](https://rposd.lacounty.gov/wp-content/uploads/2018/08/01_Proceedings-of-the-Measure-AImplementation-Steering-Committee_2018.06.28.pdf)>.

18. Loukaitou-Sideris, A., & Mukhija, V. (2019). Promoting justice for underserved groups in periurban parks: The potential of state-community partnerships. *Leisure Studies*, 38(1), 43–57.
<https://doi.org/10.1080/02614367.2018.1544656>.

19. Low, S. (2013). Public space and diversity: Distributive, procedural and interactional justice for parks. In G. Young, & D. Stevenson (Eds.). *The Ashgate Research Companion to Planning and Culture* (pp. 295–310). Surrey, England: Ashgate Publishing.

20. Mathers, A., Dempsey, N., & Froik Molin, J. (2015). Place-keeping in action: Evaluating the capacity of green space partnerships in England. *Landscape and Urban Planning*, 139, 126–136.
<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2015.03.004>.

21. Mattijssen, T., Buijs, A., & Elands, B. (2018). The benefits of self-governance for nature conservation: A study on active